



روش‌های تربیتی
قرآن کریم

اهداف عبرت‌آموزی قرآن کریم

علیرضا قاسم‌زاده
کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث
دبیر الهیات و معارف اسلامی

مقدمه

قرآن کریم برای تربیت بشر، از روش‌های متنوعی استفاده کرده است که شاید یکی از تأثیرگذارترین آن‌ها، روش تربیت از راه بیان عبرت یا همان عبرت‌آموزی باشد. واژه‌ی عبرت و اعتبار، هفت مرتبه در قرآن کریم به کار رفته و خداوند به‌وسیله‌ی آن، همه‌ی انسان‌ها از جمله خردمندان [یوسف/ ۱۱۱]، اهل بصیرت [آل عمران/ ۱۳؛ حشر/ ۲؛ نور/ ۴۴] و خشیت [نازعات/ ۲۶] را به عبرت‌آموزی تشویق کرده است. واژه‌ی «عبره» در اصل از کلمه‌ی «عَبَرَ» مشتق شده است که ارباب لغت برای آن معانی متفاوتی ذکر کرده‌اند. چنان‌که **راغب** اصل آن را گذاشتن از حالی به حالی می‌داند و در تعریف عبرت و اعتبار چنین می‌گوید: «الاعتبار والعبره بالحاله التي يتوصل بها من معرفة المشاهد الی ما لیس بمشاهد» [راغب اصفهانی ۱۴۲۲ هـ.ق: ۵۴۴]. عبرت حالتی است که انسان را از معرفت و شناخت چیزی که دیده شده، به چیزی که در گذشته دیده نشده است، می‌رساند. علاوه بر واژه‌ی عبره، واژگانی چون «آیه، مَثَل و فِتْنَه» نیز در قرآن کریم به معنای عبرت‌آموزی به کار رفته‌اند [تفلیسی،

چکیده

از کارآمدترین روش‌های تربیتی که در قرآن کریم آمده، روش تربیت از راه عبرت است. عبرت حالتی است که در اثر برخورد با امور ظاهری و مشهود، برای انسان پدید می‌آید و به معرفت باطنی و غیر مشهود منتهی می‌شود. به دلیل ارزش والای این روش و تأثیرگذاری آن در تربیت افراد، قرآن کریم به‌صورت گسترده‌ای آشکارا یا به اشاره، از آن سخن به میان آورده است؛ به‌طوری که در بررسی آیات قرآن کریم، کمتر سوره‌ای را می‌توان یافت که خداوند در آن از این مهم سخن نگفته باشد. یقیناً، قرآن کریم در استفاده از این روش اهداف ویژه‌ای را مد نظر قرار داده است. مقاله‌ی حاضر، ضمن مروری گذرا بر مفهوم عبرت، درصدد بیان مهم‌ترین اهداف عبرت‌آموزی قرآن کریم از قبیل اثبات و حیانی بودن قرآن، تقویت ایمان به توحید و یگانگی خدا، ایمان به نصرت و یاری خداوند، ایجاد و تقویت معادباوری، بیداری و برانگیختن فطرت دینی افراد و نیز اثبات صحت نبوت پیامبر (ص) است. **کلیدواژه‌ها:** قرآن، عبرت، وحیانی بودن، فطرت.

یکی از اهداف اصلی روش عبرت آموزی، اثبات این مطلب است که قرآن کریم از جانب خداوند متعال به صورت وحی بر پیامبرش نازل شده است

را می دانستی و نه قوم تو. پس شکبیا باش که فرجام [نیک] از آن تقوای پیشگان است. در ماجرای زندگی **مریم (س)** و قصه ی کفالت ایشان توسط حضرت **زکریای نبی (ع)**، خداوند به رسول الله (ص) تأکید می کند، این از اخبار غیب است که به تو وحی می کنیم، و [گر نه] وقتی که آنان قلم های خود را [برای قرعه کشی به آب] می افکندند تا کدام یک سرپرستی مریم را به عهده گیرد، نزد آنان نبودی و [نیز] وقتی با یکدیگر کشمکش می کردند، نزدشان نبودی [آل عمران/ ۴۴]. در صحنه های دیگر، در انتهای قصه ی زندگی پر فراز و نشیب **حضرت یوسف (ع)** چنین می فرماید: «ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک و ما کنت لدیهم اذا جمعا امرهم و هم یمکرون» [یوسف/ ۱۰۲]: «این [ماجرا] از خبرهای غیب است که به تو وحی می کنیم و تو هنگامی که آنان همداستان شدند و نیرنگ می کردند، نزدشان نبودی. به هر حال، قرآن کریم در انتهای سوره ی یوسف، سرگذشت همه ی پیامبران را واقعی و روشننگر بسیاری از حقایق می داند و می فرماید: «لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الالباب ما کان حدیثاً یفتری و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدی و رحمه لقوم یؤمنون» [یوسف/ ۱۱۱]: به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است. سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آن چه [از کتاب هایی] است که پیش از آن بوده و روشننگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می آورند، رهنمود و رحمتی است.

علاوه بر این، قرآن کریم در طرح شگفتی های خلقت، از مواردی چون مراحل آفرینش آسمان ها و زمین، خلقت انسان و زندگی حیوانات، از جمله درباره ی تولید شیر در شکم حیوان که قرآن آن را در بیان عبرت ها آشکارا مورد تأکید قرار داده، چنان دقیق عمل کرده که امروزه نیز با پیشرفت های علمی وسیع بشر، هنوز راز بسیاری از این مسائل مطرحه در آیات نورانی قرآن کریم مکتشف نشده است. چنان که **سید قطب**، وجود یک حقیقت از این نوع در قرآن کریم را با توجه به این که تمام مردم آن روزگار از این امور جاهل بودند، برای اثبات وحیانی بودن

[۳۴۷: ۱۳۷۱]. باید متذکر شد، تشابه زندگی انسان ها، اقوام و ملت ها با یکدیگر و حسابگری و اندیشه ورزی و نیز تأثیرپذیری آدمی، پایه های اساسی روش عبرت آموزی را تشکیل داده اند که از همکاری و تعامل آن ها با یکدیگر، عبرت به وجود می آید [رک: قائمی، ش ۲۷: ۶۹].

از آن جایی که هر روش تربیتی، اهداف خاصی را برای تربیت بهتر متربیان خود دنبال می کند و برای رسیدن به آن هدف ها، تمامی تلاش خود را به کار می گیرد، جای این سؤال است که هدف قرآن کریم از طرح مسائل عبرت آموز، از قبیل بیان قصص گذشتگان و نیز توجه دادن مردم به شگفتی های آفرینش و... چیست؟ به نظر می رسد، با بررسی آیات قرآن کریم که آشکارا یا به اشاره انسان ها را به عبرت آموزی دعوت کرده اند و تفکر و تعمق در آن، بتوان برای این روش تربیتی قرآن کریم اهداف مهمی را برشمرد.

اثبات وحیانی بودن قرآن کریم

یکی از اهداف اصلی روش عبرت آموزی، اثبات این مطلب است که قرآن کریم از جانب خداوند متعال به صورت وحی بر پیامبرش نازل شده است. این موضوع زیربنای اعتقادات و باورهای مسلمانان را تشکیل داده و نزد آنان از حساسیت ویژه ای برخوردار است. حال با توجه به این که هم اکنون نیز دشمنان اسلام درصددند با ایجاد خدشه در این اعتقاد و طرح نظراتی مغرضانه درباره ی منشأ قرآن، آب را از سرچشمه گل آلود کنند، اثبات این که قرآن کار بشر نبوده و وحی الهی است، از اهمیت دوچندانی برخوردار می شود.

با مراجعه به قرآن کریم متوجه می شویم، طرح قصص انبیای الهی، اقوام و امت های گذشته و اخبار آن ها از یک سو و بیان ظرایف و ریزه کاری های دقیق شگفتی های آفرینش از سوی دیگر، قبل از هر چیز بیانگر این است که قرآن ساخته ی بشر نبوده، بلکه از جانب خداوند بر بشر ارزانی شده است. قرآن کریم بر این هدف در موارد گوناگون تأکید کرده است. در سوره ی هود، بعد از بیان داستان حضرت نوح (ع) و غرق قوم ستمکار او، پیامبر (ص) را خطاب قرار داده است و می فرماید: «تلك من انباء الغیب نوحیها الیک ما کنت تعلمها انت و لا قومک من قبل هذا فاصبر ان العاقبه للمتقین» [هود/ ۴۹]: این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می کنیم. پیش از این، نه تو آن



قرآن از جانب خداوند کافی می‌داند [سید قطب، ج ۴/۲۱۸۱]. لذا بیان این مسائل در قرآن کریم که آورنده‌اش اُمّی و درس‌ناخوانده بوده و در آیاتی از قرآن کریم، درباره‌ی ایشان چنین گفته شده که از خود هیچ علمی ندارد و غیب نمی‌داند و هرچه که بیان می‌کند، به پیروی از وحی الهی است [انعام/ ۵۰] و دوست و دشمن نیز بر این مطلب گواهی داده‌اند، یک پیام مهم به همراه دارد و آن این که قرآن کریم وحی الهی است و این پیام مهم همیشه همراه جریان دائمی عبرت‌ها در میان نسل‌های بشر وجود داشته و هم‌چون خون در رگ‌های عالم هستی جاری است. روش عبرت‌آموزی، به‌دنبال ظهور و تقویت باور به این هدف کلیدی قرآن کریم است تا با ثبوت آن، راه هرگونه شک و تردید را در قبال مسائل اساسی دیگر ببندد.

تقویت اعتقاد به توحید و ایمان به خدا

از دیگر اهداف کلیدی شیوه‌ی عبرت‌آموزی قرآن کریم، تقویت اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند و ایمان به اوست. پرداختن به این هدف، با توجه به این که حتی بسیاری از پیروان کتب آسمانی نیز گرفتار ثنویت و تثلیث شده بودند، بسیار مهم و حیاتی بوده است. لذا قرآن کریم در فرازهای گوناگون، اعتقاد به خدایان گوناگون را زیر سؤال برده است و از پیامبر(ص) می‌خواهد به مردم بگوید، او یگانه و یکتاست و هیچ شریکی ندارد و از همه‌کس و همه‌چیز بی‌نیاز است [توحید/ ۳-۱]. اوست خدایی که آسمان‌ها و زمین و هرچه را در آن وجود دارد، آفریده است و کار آفرینش را تدبیر می‌کند [یونس/ ۳] و هم‌چنین، اوست که شب و روز را با هم جابه‌جا می‌کند و آن را عبرتی برای اهل بصیرت قرار می‌دهد: «یقلب الله الیل و النهار ان فی ذلک لعبره لاولی الابصار» [نور/ ۴۴]. لذا اهل بصیرت نیز از این ماجرا درس گرفته و با بینایی خاص خود، در پشت پرده‌ی شگفتی‌ها، خدا را می‌بینند و ایمانشان نسبت به خدا بیش از پیش می‌شود. حال، مؤمنان بابه‌بصیرت که چشم دلشان به روی حقایق هستی باز شده است، این آمادگی را پیدا می‌کنند تا خداوند آیات و نشانه‌های زیادی برای اثبات حقانیت خود به ایشان نشان دهد. این جاست که می‌فرماید: «سنریبهم آياتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» [فصلت/ ۵۳]: به‌زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود، تا بر ایشان

روشن گردد که او خود حق است. آری او حقیقتی انکارناپذیر است که در تمام ذره‌های عالم هستی حاضر است. پس اگر تمام آیات تکوین و تدوین را با نگاه عبرت‌آموز و هوشیارانه بنگریم، حتی برگ درختان سبز نیز بر معرفت خداوند شهادت می‌دهند و هریک به زبان حال از او سخن می‌گویند و آشکارا انسان‌ها را به معرفت خالق توانای خویش فرامی‌خوانند. بنابراین، قرآن کریم با شیوه‌ی عبرت‌آموزی و بیان عبرت‌ها، در پی تربیت افرادی مؤمن و خداجوست و قصد دارد با بیدار کردن جان‌های خفته‌ی انسان‌ها، آن‌ها را از قید بندگی خدایان پراکنده آزاد کند و به خضوع در مقابل خدای واحد قهار دعوت کند.

ایمان به نصرت و یاری خداوند

یکی دیگر از اهداف روش عبرت‌آموزی قرآن کریم، اعتماد به یاری خداوند در شرایط بسیار سخت و پیچیده است؛ زمانی که حوادث متفاوت به گونه‌ای رقم می‌خورد که سپاه صبر و بردباری عقب‌نشینی کرده و نومیدی و یأس، جان‌ها را به لب می‌رساند تا جایی که حتی انبیای عظام الهی نیز از ایمان مردم دچار یأس می‌شدند؛ چنان که خداوند در سوره‌ی یوسف(ع) با اشاره به این مطلب می‌فرماید: «حتی اذا استیثس الرسل و ظنوا انهم قد کذبوا جاءهم نصرنا فنجی من نشاء و لا یرد باسنا عن القوم المجرمین» [یوسف/ ۱۱۰]: تا هنگامی که فرستادگان [ما] نومید شدند و [مردم] پنداشتند که به آنان واقعاً دروغ گفته شده است، یاری ما به آنان رسید. پس کسانی را که می‌خواستیم، نجات یافتند، و [لی] عذاب ما از گروه مجرمان برگشت ندارد. به نظر علامه طباطبایی، آیه‌ی فوق رسول خدا(ص) را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد که: «رسولان همانند تو مردانی از اهل سرزمین خود بودند که قریه‌های ایشان به کلی نابود شده بود. آن‌ها قوم خود را هم‌چنان دعوت می‌کردند و مردم اجابتشان نمی‌کردند و با این که پیامبران به عذاب خدا اندازشان

از اهداف روش عبرت‌آموزی قرآن کریم، اعتماد به یاری خداوند در شرایط بسیار سخت و پیچیده است؛ زمانی که حوادث متفاوت به گونه‌ای رقم می‌خورد که سپاه صبر و بردباری عقب‌نشینی کرده و نومیدی و یأس، جان‌ها را به لب می‌رساند

می‌کردند، نمی‌پذیرفتند تا آن‌که پیامبران از ایمان آوردن قوم خود مأیوس شدند و یا نزدیک بود مأیوس شوند و مردم نیز گمان کردند خبر پیامبرشان درباره‌ی عذاب کذب و دروغ بوده. در این موقع بود که یاری خداوند فرا رسید و هر کسی را که می‌خواست نجات داد و البته نجات‌یافتگان انبیا و مؤمنان بوده‌اند و عذاب سخت خداوند مجرمان را فرا گرفت [طباطبایی، ج ۲۷۹/۱۱]. لازم به ذکر است که این هدف، به شکل یک سنت جاری، در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها رخ‌نمایی کرده و در قرآن به‌صورت گسترده از آن صحبت به میان آمده است؛ چنان‌که اگر به قصص انبیای گذشته در سوره‌های متفاوت رجوع کنیم، آن جاهایی که خداوند از نجات انبیا و پیروانشان از شر دشمنان سخن به میان آورده، به وضوح آن را درمی‌یابیم.

با دقت در زندگی رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز می‌بینیم، در فرازهای گوناگون، کمک و یاری خداوند باعث پیروزی ایشان و مسلمانان شده است. آن‌جا که خداوند در ماجرای جنگ با مشرکان در بدر، موضوع تصرف در چشم مشرکان را در راستای کمک به مسلمین مطرح کرده است و آن را عبرتی برای اهل بصیرت معرفی می‌کند و می‌فرماید: «قد کان لکم آیه فی فتین التقتا فنه تقاتل فی سبیل الله و آخری کافرہ یرونہم مثلہم رأی العین و الله یؤید بنصرہ من یشاء ان فی ذلک لعبرہ لاولی الابصار» [آل عمران/ ۱۳]. قطعاً در برخورد میان دو گروه، برای شما نشانه‌ای [و درس عبرتی] بود. گروهی در راه خدا می‌جنگیدند و دیگر [گروه] کافر بودند که آنان [مؤمنان] را به چشم، دو برابر خود می‌دیدند و خدا هر که را بخواهد، به یاری خود تأیید می‌کند. یقیناً در این [ماجرا] برای صاحبان بینش، عبرتی است.

در جنگ با یهودیان قلعه‌ی بنی‌نضیر نیز موضوع ترس‌افکنی در دل یهودیان را مطرح کرده تا جایی که خود دست به تخریب خانه‌های خویش

در جنگ با یهودیان قلعه‌ی بنی‌نضیر نیز موضوع ترس‌افکنی در دل یهودیان را مطرح کرده تا جایی که خود دست به تخریب خانه‌های خویش زدند و مفتضحانه به ترک کاشانه‌شان تن در دادند

زدند و مفتضحانه به ترک کاشانه‌شان تن در دادند. چنان‌که قرآن در سوره‌ی حشر به آن اشاره می‌کند و چنین می‌فرماید: «هو الذی اخرج الذین کفروا من اهل الکتاب من ديارهم لاول الحشر ما ظننتم ان یخرجوا و ظنوا انہم مانعتہم حصونہم من الله فأتہم الله من حیث لم یحتسبوا و کذب فی قلوبہم الرعب یخربون بیوتہم بایدہم و ایدی المؤمنین فاعتبروا یاولی الابصار» [حشر/ ۲]. اوست کسی که از میان اهل کتاب، کسانی را که کفر ورزیدند، در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد. گمان نمی‌کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آن‌ها خواهد بود، و [ای] خدا از آن جایی که تصور نمی‌کردند، بر آنان درآمد و در دل‌هایشان بیم افکند. [به طوری که] خود به دست خود و دست مؤمنان، خانه‌های خود را خراب می‌کردند. پس ای دیده‌وران، عبرت بگیرید.

لذا قرآن کریم این موضوع را مایه‌ی عبرت برای همه‌ی مردم قرار داده که درس بیاموزند و به این نکته‌ی مهم برسند که: «و ما النصر الا من عندالله» [انفال/ ۱۰]. پیروزی جز از نزد خدا نیست و خداوند در تمام صحنه‌ها دوستان و یاری‌کنندگان را یاری می‌رساند. چنان‌که خود به مؤمنان وعده فرمود: «یا ایہا الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم و یتثبت اقدامکم» [محمد/ ۷]. یقیناً، فهم این هدف توسط عبرت‌آموزان، تأثیر به‌سزایی در تربیت، ایجاد آرامش درونی، ثبات قدم، شجاعت و در نتیجه ایمان و اعتماد کامل آنان به خداوند متعال دارد.

ایجاد و تقویت معادباوری در عبرت‌آموزان

از دیگر اهداف عبرت‌آموزی قرآن کریم، تقویت ایمان به معاد و بازگشت به سوی خداوند است. این ایمان، با ایمان به خدا و یاری او نسبت به دوستان و اهلاک دشمنان ارتباطی محکم دارد. چون بازگشت همه به سوی خداست و اوست که اجر و پاداش مؤمنان را به خاطر صبر و جهادشان در دنیا، و جزای کفار و دشمنان را بعد از آن‌که در دنیا عذابشان کرد، محاسبه و به‌صورت کامل عطا می‌کند. لذا قرآن کریم در سوره‌ی آل عمران [۱۷-۱۰]، عبرت از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر را با مقایسه‌ی میان زندگی پست و فانی دنیا و سرای جاوید آخرت و عذاب‌های آن برای مخالفان و نعمات بهشتی برای مؤمنان همراه کرده است تا عبرت‌آموزان از زندگی پست دنیا، به آخرت و بازگشت به سوی خدا منتقل شوند و به این حقیقت

بیداری و برانگیختن فطرت دینیه افراد

شیوهی عبرت‌آموزی سعی دارد با تأثیرگذاری در نفوس و جان‌های انسان‌ها، فطرت حق‌جو و حق‌گرای انسان را بیدار کند. فطرت از واژه‌ی «فَطَرَ» به معنی خلق و ابداع گرفته شده و «فاطر» نیز که یکی از نام‌های خداوند است، از این کلمه مشتق شده است [راغب اصفهانی، ۱۴۲۲ هـ.ق: ۶۴۰]. لذا به ویژگی‌هایی که در اصل خلقت و آفرینش انسان وجود دارند، فطرت گفته می‌شود [شهبید مطهری، ۱۳۷۳ هـ.ق: ۱۹]؛ استعداد‌های خاصی که خداوند در نهاد همه‌ی ابنای بشر، فارغ از هر رنگ و نژاد و زبان، به ودیعه نهاده است. به خاطر این استعداد است که انسان می‌تواند تفکر کند و بیندیشد، با اراده و اختیار خود دست به انجام کاری بزند، طالب خوبی‌ها و کمالاتی چون عدالت، احسان و راست‌کرداری شود، از صفاتی چون تجاوز، حسد و دروغ‌بیزاری جوید و دوست‌دار زیبایی‌های عالم هستی شود.

فطرت در قرآن کریم معادل دین الهی گرفته شده است [طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ۴۷۴]؛ چنان‌که می‌فرماید: «فلقم وجهک للدين حنیفا فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اکثر الناس لا یعلمون» [روم/ ۳۰]؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن. با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا، تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

مطابق این آیه، انسان براساس نوعی سرشت و طبیعت آفریده شده است که برای پذیرش دین آمادگی دارد و اگر به حال طبیعی خود رها شود، راه دین را انتخاب می‌کند؛ مگر این‌که عوامل گوناگون خارجی مانع شوند. انسان براساس فطرت خود، طالب خوبی‌ها و کمالات است و در این راستا در پی برترین کمالات یعنی خداوند و رسیدن به اوست. حال این‌که چرا انسان از این امر درونی که مشترک میان همه‌ی انسان‌هاست، فاصله گرفته و به جای خداپرستی، به تقدیس خدایان گوناگون گرایش پیدا کرده و یا این‌که به جای روی آوردن به فضایل اخلاقی، خواستار رذایل گشته، به خاطر عواملی خارج از وجود اوست که پرده‌هایی ضخیم بر وجود انسان می‌گذارند، روشن‌بینی او را تحت تأثیر قرار می‌دهند و او را به انحراف می‌کشانند.

حال، نقش عبرت‌آموزی این است که این پرده‌ها را کنار زند و حجاب‌ها را یکی پس از دیگری بردارد تا انسان حق‌گرایانه به

دست یابند که خدا پشتیبان و یاور دوستانش در دنیا و آخرت بوده است؛ همان‌طور که در هر دو سرا از دشمنان و مخالفانش انتقام می‌کشد و آنان را به عذاب دردناک جهنم دچار می‌سازد [نحلاوی، ۱۴۲۳ هـ.ق: ۱۷۲].

با مروری بر داستان‌ها و قصص امت‌های گذشته که در آیات زیادی از قرآن کریم وارد شده است، درمی‌یابیم که خداوند پرده از زندگی کسانی برداشت که دنیا و زینت‌های آن غرقشان کرده بود و اسیر شهوات و لذت‌های زودگذر آن شده بودند؛ لذا راه هدایت بر آنان بسته شد و به فجیع‌ترین وضع نابود شدند. تشریح وضعیت آنان در قرآن به‌عنوان عبرت و درس، برای تأثیرگذاری در دل مردم است تا سرنوشت امت‌ها و اقوام گذشته را با خود و زندگی خود تطبیق دهند و به واسطه‌ی آن، نفس و روحشان را از هرگونه آلودگی پاک کنند و برنامه‌های زندگی را طوری تنظیم کنند که ناظر به قیامت و روز جزا باشد؛ چون ایمان به قیامت و باور آن، چشمان انسان را نافذ و حقیقت‌بین می‌کند و سبب می‌شود که او از ظواهر امور، به باطن آن‌ها دیده‌گشاید و از سرای غرور به سرای شعور پا گذارد. جالب این‌که خداوند در سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان، علت عدم عبرت‌گیری همه‌ی کسانی را که آثار برجایمانده از عذاب قوم لوط را دیده و یا درباره‌ی آن شنیده و پند نگرفته‌اند، باور نداشتن معاد معرفی می‌کند و می‌فرماید: «و لقد اتوا علی القرية التي امطرت مطر السوء اقلم یكونوا یرونها بل كانوا لا یرجون نشورا» [فرقان/ ۴۰]؛ و قطعاً بر شهری که باران بلا بر آن بارانده شد، گذشته‌اند. مگر آن را ندیده‌اند؟ [چرا] ولی امید به زنده شدن ندارند. به نظر مفسران، جمله‌ی «بل كانوا لا یرجون نشورا» به معنای این است که آنان از معاد نمی‌ترسند و یا اصلاً از معاد مأیوس‌اند و حتی چنین احتمالی هم نمی‌دهند. پس منشأ اصلی تکذیب آنان بر کتاب و رسالت، و اندرز و عبرت‌نگرفتنشان به آن چیزهایی که مایه‌ی اعتبار عبرت‌گیرندگان است، این موضوع اساسی است که اینان منکر معادند و به همین دلیل، دعوت انبیا در آنان کمترین اثری ندارد و هیچ حکمت و موعظه‌ای به دل‌هایشان راه نمی‌یابد [طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ج ۱۵: ۲۱۸]. شیوه‌ی تربیتی عبرت‌آموزی، به‌دنبال دور کردن انسان‌ها، از عاقبت‌گریزی و تربیت افراد وارسته‌ای است که ترس از انتقام و عقاب خداوند در تمام وجودشان ریشه کرده و مانع از ارتکاب گناه در آن‌ها می‌شود. در نتیجه، این افراد با دیدگانی باز، با حوادث و وقایع عالم روبه‌رو شده و کوچک‌ترین اتفاقات، بزرگ‌ترین درس‌ها را برایشان به همراه دارد.





انسان براساس نوعی سرشت و طبیعت آفریده شده است که برای پذیرش دین آمادگی دارد و اگر به حال طبیعی خود رها شود، راه دین را انتخاب می‌کند

اثباتی وحیانی بودن قرآن که در صفحات قبل به آن اشاره شد، می‌بینیم که خداوند علاوه بر آن، در آیاتی دیگر (نحل، ۴۴؛ ص، ۲۹؛ انعام، ۱۹ و...) نیز بعد از بیان وحی بودن قرآن، به حامل آن اشاره کرده و می‌فرماید: «توحیه‌ها الیک» [هود/ ۴۹] و «توحیه الیک» [آل عمران/ ۴۴؛ یوسف/ ۱۰۲]. در این آیات، ضمیر در کلمه «الیک» به شخص پیامبر (ص) اشاره دارد و نشان می‌دهد که او فرستاده‌ی خداوند برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال و سعادت است.

نتیجه

در جمع‌بندی موضوعات یاد شده می‌توان گفت، هدف قرآن کریم ارائه‌ی یک شیوه‌ی تربیتی جامع برای تربیت افرادی مؤمن، با بصیرت، خردمند و خداترس بوده است؛ افرادی که با تمام وجود به مبدأ هستی یعنی وجود باری تعالی و نیز معاد ایمان دارند و با جان و دل، وحیانی بودن قرآن کریم و نبوت رسول‌الله (ص) را پذیرفته‌اند و تمام برنامه‌های زندگی خود را براساس فطرت خداجویی و خداگرایی، برای به دست آوردن رضایت او تنظیم می‌کنند و همه‌ی شؤونات زندگی‌شان را نیز در مسیری مستقیم برای رسیدن به این اهداف مقدس قرار می‌دهند.

سوی دین‌گرایی پیدا کند. پس هدف این روش، تربیت نفوس انسان براساس فطرت و درون انسان است که همان حرکت در مسیر دین الهی و گرایش به سوی حقیقت‌جویی و خداگرایی است. این‌جاست که متوجه می‌شویم، بی‌دلیل نیست که قرآن با جلوه‌ی خاصی، داستان حضرت ابراهیم (ع) را به‌عنوان الگویی برای بیداری فطری انسان بیان کرده است و می‌فرماید، ایشان بعد از این‌که نشانه‌های خدا را در ملکوت عالم هستی مشاهده نمود، با تفکر و اندیشه که برخاسته از فطرت حق‌جوی هر انسانی است، با ستاره‌پرستان، ماه‌پرستان و خورشیدپرستان- این گرفتاران عالم مُلک- به مبارزه برخاست تا چهره‌اش را از همه‌ی آن‌چه غیر خدایی است برگرداند و حق‌گرایانه رو به خدا نمود [انعام/ ۷۹-۷۴]. بیان این داستان در قرآن برای این بود که همه‌ی انسان‌ها می‌توانند ابراهیم‌وار ملکوت عالم را در همین عالم مُلک مشاهده کنند و به جایی برسند که بگویند: «ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین» [انعام/ ۱۶۲]: درحقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است.

این همان فطرتی است که انسان بر آن متولد شده است؛ چنان‌که رسول‌الله (ص) فرمود: «کل مولود یولد علی الفطره» [کلینی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۴۴؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۱۳: ۲۸۱] و شیوه‌ی عبرت‌آموزی نیز به دنبال تحقق و ظهور چنین هدف مقدسی است.

اثبات صحت نبوت پیامبر (ص)

همان‌طور که روش عبرت‌آموزی، وحیانی بودن قرآن کریم و اخبار آن را ثابت می‌کند، بیانگر این مطلب نیز هست که آورنده‌ی این اخبار و آیات وحیانی، باید پیامبری برگزیده از طرف مبدأ عالم هستی بوده باشد. لذا عبرت‌آموزی قرآن، علاوه بر تقویت باور به مبدأ و اعتقاد به معاد، به حلقه‌ی اتصال بین این دو هدف، یعنی موضوع نبوت و اثبات صحت آن نیز پرداخته است. در قرآن کریم، به دنبال آیاتی که خبرهای اقوام و ملت‌های گذشته را مطرح می‌کند و یا آیاتی که به شگفتی‌های عالم هستی، اشاره دارد، گاه به صراحت و گاه به اشاره، چنین بیان شده که آورنده‌ی این اخبار دقیق و ظریف، شخصی «امی» [اعراف/ ۱۵۷] و درس‌ناخوانده بوده که از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید [نجم/ ۳]. لذا نقل این اخبار، همان‌طور که نشان از وحیانی بودن قرآن کریم دارد، صداقت پیامبر (ص) در نبوتش را نیز ثابت می‌کند. با رجوع به آیات مورد بحث در

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. تفسیری، ابوالفضل، وجوه القرآن. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۱ ش.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. دارالعلم دارالشامیه. دمشق، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۴. سید قطب، سیدبن قطب‌بن ابراهیم. فی ظلال القرآن. دارالشروق. بیروت، ۱۴۱۲ق.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی. تهران. ۱۴۱۷ق.
۶. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. انتشارات ناصرخسرو. تهران. ۱۳۷۲ ش.
۷. قائمی‌مقدم، محمدرضا. عبرت و تربیت در نهج‌البلاغه. مجله‌ی حوزه و دانشگاه. ۱۳۸۰. شماره‌ی ۲۷.
۸. کلینی، محمدبن یعقوب. کافی. انتشارات اسوه. ۱۳۷۲ ش.
۹. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار. مؤسسه الوفاء. بیروت. بی‌تا.
۱۰. مطهری، مرتضی. فطرت. انتشارات صدرا. تهران. ۱۳۷۳ ش.
۱۱. نحلاوی، عبدالرحمن، التریبیه بالعبره. دارالفکر. دمشق. ۱۴۲۳ق.